

بموضعهای دوم بوجه احسن مبسر گردد .

« در آتیه ، عنصر اصلی میدان نبرد عبارت از موضع مقاومت خواهد بود . »
« واحدهائی که در جلوی اینموضع گسترده شده اند ، برای اینکه مانوریت
عملیات تأخیری خود را اجرا کنند ، قسمی قرار خواهند گرفت که حملات پی در پی
دشمن ، تدریجاً که در منطقه پوشش پیشروی میکنند ، با مقاومت دائم التزایدی
(ترکیب آتش و حرکات) مواجه شوند »

از اینرو ، موضع مقاومت بنحوی انتخاب خواهد شد که دشمن تواند بآن حمله نماید ،
مگر اینکه نخست پیکرشته محاربات مجبور گردد ، نادر نتیجه این محاربات آرایش
حمله پیاده نظام وی و همچنین تسبیقات بدوی توپخانه او مختل و متلاشی گردد .
این دستورات در ۲۴ ژانویه ۱۹۱۸ صدور یافت ، تا در ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۸ ، در
نبرد توفینی ارتش ۴ ، صورت قطعی بخود گرفته و کاملاً اعمال گردد .

در خلال این احوال ، شورای عالی جنگی متفقین نقشه کلی عملیات را طرح کرده
و بررسی نموده بود . در مقابل تصمیم تدافعی فرماندهان کل نیروهای فرانسه و
انگلیس ، در ۲ فوریه ۱۹۱۸ بهمین تصمیم اکتفا کرد که قوای ، بنام « احتیاط کل
متفقین » تشکیل شود ، و برای هدایت قوای مزبور ، کمیته ای بنام « کمیته اجرائیه »
بریاست رئیس ستاد ارتش فرانسه دائر گردد .

ولی در این تاریخ ، فرماندهان کل نیروهای فرانسه و انگلیس مسئله « تحریک »
قوای احتیاط خود را مقرر داشته و مأموریتهای آنها را نیز مشخص کرده بودند ؛ بدینجهت ،
از تغییر تدابیر خویش خودداری کردند . پس از کشمکشهایی ، تصمیم گرفته شد که
لشکر های فرانسه و انگلیس مقیم ایتالیا و چند لشکر از قوای ایتالیا بتشکیل
قوای احتیاطی متفقین تخصیص یابند .

هنگامیکه نبرد ۲۱ مارس آغاز میشد ، ارتشهای فرانسه و انگلیس ۵۷ لشکر
احتیاط موجود داشتند ، که ۳۹ لشکر آنها فرانسوی و ۱۸ لشکر دیگر انگلیسی بود .
سند های ارتش فرانسه و انگلیس از چند روز پیش انتظار داشتند مابین « آراس »
و « اوآز » بالبر در حریفه مواجه گردند ، هر قرارگاه کل نیروی انگلیس انتظار پرفت

که دشمن فشار اصلی خود را مابین «با پیم» (Baraime) و «لاسانسه» (Sensee) اعمال کند؛ در قرارگاه کل نیروی فرانسه هم پیش بینی میشد که دشمن در شلمپانی، نیز حمله ور گردد. (۱)

از اینرو، قوای احتیاطی انگلیس مرکز ثقل خود را بین «پرن» (Péronne) و «آراس» قرار داده بود؛ معادل نصف قوای احتیاطی فرانسه هم در مغرب نصف النهار و ویتری لو فرانسوا (Vitry-le-François) قرار گرفته بود؛ ستاد ارتش واحدهائی چند (یک گروه ارتشها، یک ارتش، و یک سپاه) با لشکر پیاده نظام و ۱ لشکر سوار نظام در منطقه «سوا سن» (Soissons)، «سالیس» (Senlis)، و «کلرمن» (Clermont) قرار گرفته و نخستین رده قوای تشکیل میدادند، تا در منطقه انگلیسها داخل عملیات شوند.



۳ - نخستین تعرض آلمان (۲)

(از ۲۱ مارس تا ۲۹ آوریل ۱۹۱۸) (نقشه شماره ۴۱)

گفتیم که منظور فرماندهی کل نیروی آلمان این بود که جناح راست انگلیسها را درهم شکسته و در سمت «سوم سفلی» براند. با وجود نتایج نا کتبی عمده ای که در آغاز نبرد باید آلمانها گردید، انتظار فرماندهی کل بر آورده نشد؛ حتی، در حین نبرد هم، دو مرتبه از تغییر تصمیمات خود ناگزیر گردید، از اینرو، از نظر خود آلمانها، این تعرض نخستین سه مرحله متفاوت در بر داشته است.

(۱) از عکسهای هوایی که در ماه فوریه و مارس ۱۹۱۸ برداشته شده بود چنین بر میآید که فرودگاههای بسیاری در منطقه «لاون» (Laon) احداث گردیده است. با این وضعیت مرکزی، نیروی هوایی آلمان موفق میشد در آن واحد در جبهه فرانسویها (شامپانی) و در جبهه انگلیسها اعمال فعالیت کند. قوای احتیاطی آلمان، چنانکه گفته شد، تا لحظه آخر در منطقه «هیرسن، مزیر، موبوز» (Hirson-Mézières - Maubeuge) باقی ماندند، تا از آنجا، در هر موقعی، انتقال آنها به دو جبهه میسر گردد.

(۲) در این موقع، لژه ۷ لشکر آلمانی که نخستین قسمت قوای مخصوص بنبرد را تشکیل میدادند، ۶۸ لشکر درگیر شده بودند.

الف) - مرحله نخستین (۲۱ - ۲۰ مارس)

حمله پیاده نظام در ۲۱ مارس در ساعت ۹ و ۳۰، پس از مختصر تهیه ای که ۴ ساعت و نیم پیش بطول نیا انجامید، آغاز گردید.

تهاجم ارتشهای ۱۷، ۲، ۱۸ آلمان: از شمال و از جنوب، بقوای انگلیس متوجه گردید، یعنی بارتش ۳ [«بنگ» (Byng)] و ارتش ۵ [«گوغ» (Gough)] که دومی از «باریزیس» (Barisis) تا «کوزوکور» (Gouzeaucourt) در امتداد ۶۷ کیلومتر، و اولی از «کوزوکور» تا «گاورل» (Gavrelle) در امتداد ۳۰ کیلومتر گسترده شده بودند.

ارتش ۱۷ آلمان [«اتو فن بلو» (Otto von Below)] با مقاومت خیلی سخت ارتش «بنگ» مواجه گشت، بدین طریق که ارتش انگلیس تسبیقات ارتش آلمان را در مشرق و جنوب «آراس» که محور جناح راست آن بود، در معرض تهدید سختی قرار داده و با جناح راست خود در اطراف «باپم» بمانور ماهرانه و درختانی مبادرت ورزید.

بالعکس، از «روازل» (Roisel) تا «اوآز» ارتش ۲ [«ماروینس»] و ارتش ۱۸ [«هوتیر» (Hutier)] از روز نخستین، آسیب سختی بموضع دوم ارتش «گوغ» وارد آورده و فردای آن روز، در مغرب «سن کاتن»، مرکز آنرا درهم شکستند. در روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ مارس، چند لشکر از لشکرهای پیاده نظام فرانسوی، تحت فرماندهی ژنرال «پله» (Pellé)، فرمانده سپاه ۵، و سپاه ۱ سوار نظام فرانسوی بفرماندهی ژنرال «فرو» (Féraud)، در منطقه «نواپن» (Noyon) از «اوآز» گذشته و سعی کردند که سخت در ترعه «کرزا» (Crozat)، و سپس در تپه های «لاپیت سویس» (la Petite Suisse) مابین «گویسگار» (Guiscard) و «شونی» (Chauny) با آلمانها مواجه شده و از پیشروی آنها جلوگیری نمایند: ولی پیاده نظام آلمان، بین «پرن» و «سن سیمن» (Saint-Simon) به «سم» رسیده و از آنها عبور نمود.

در ۲۵ ، بقایای ارتش « گوغ » در سمت شمال شتافته و فرانسویها نیز ، که آلمانها از جناح چپ آنها تجاوز کرده بودند ، از پوشش « نوا این » (Noyon) منصرف شدند . آلمانها داخل « شلن » (Chaulnes) شده ، و اندکی بعد نیز به « روای » (Roye) ورود کردند .

آلمانها امیدوار بودند در سمت « دوئلس » (Doullens) شکافی تولید کنند ؛ اینک ، با وجود ظهور ناگهانی لشکر های متعددی از لشکر های فرانسوی در شمال « اوآز » ، گوئی که این شکاف در خط « روای » « من دیدیه » (Montdidier) فراهم گردیده بود .

در مقابل این وضعیت ، و همچنین با توجه بتأفات ارتش « فن باو » ، فرماندهی کل تصمیم گرفت از نقشه نخستین خویش چشم پوشیده و عملیات خود را در خط ضعیفتر حریف تعقیب نماید ، بدینطریق که « آمین » (Amiens) را هدف عملیات خویش قرار دهد .

ب (مرحله دوم (۲۶ مارس - ۵ آوریل)

در این مرحله دوم نبرد ، ژنرال « مارویتس » عملیات خود را در طول جاده « پرن - آمین » (Péronne - Amiens) تعقیب میکرد ، و در حالیکه ژنرال « هوتیر » (Hutier) نیز در جناح چپ وی جبهه او را در غرب جاده عرضی « شلن - روای - نوا این » (Chaulnes - Roye - Noyon) بسط میداد .

بعلاوه ، فرماندهی کل نیروی آلمان امر داد که ، طبق نقشه بدوی ، حمله ارتش ۱۷ در شمال « سکارپ » (Scarpe) بسط داده شود ، و منظور وی از این عمل این بود که آخرین قسمت قوای احتیاط انگلیس را از « آمین » دور سازد .

در روز ۲۶ و ۲۷ ، « هوتیر » ، « لاسی نی » (Lassigny) و « من دیدیه » را تصرف کرد ، در روز ۲۸ ، درحینیکه جناح راست ارتش ۱۷ حمله مقرر را در شمال « سکارپ » اجراء کرده و موفقیتی نصیب آن نمیکردید ، « هوتیر » مانور خود را دنبال کرده و بحوالی « موروی » (Moreuil) میرسد .

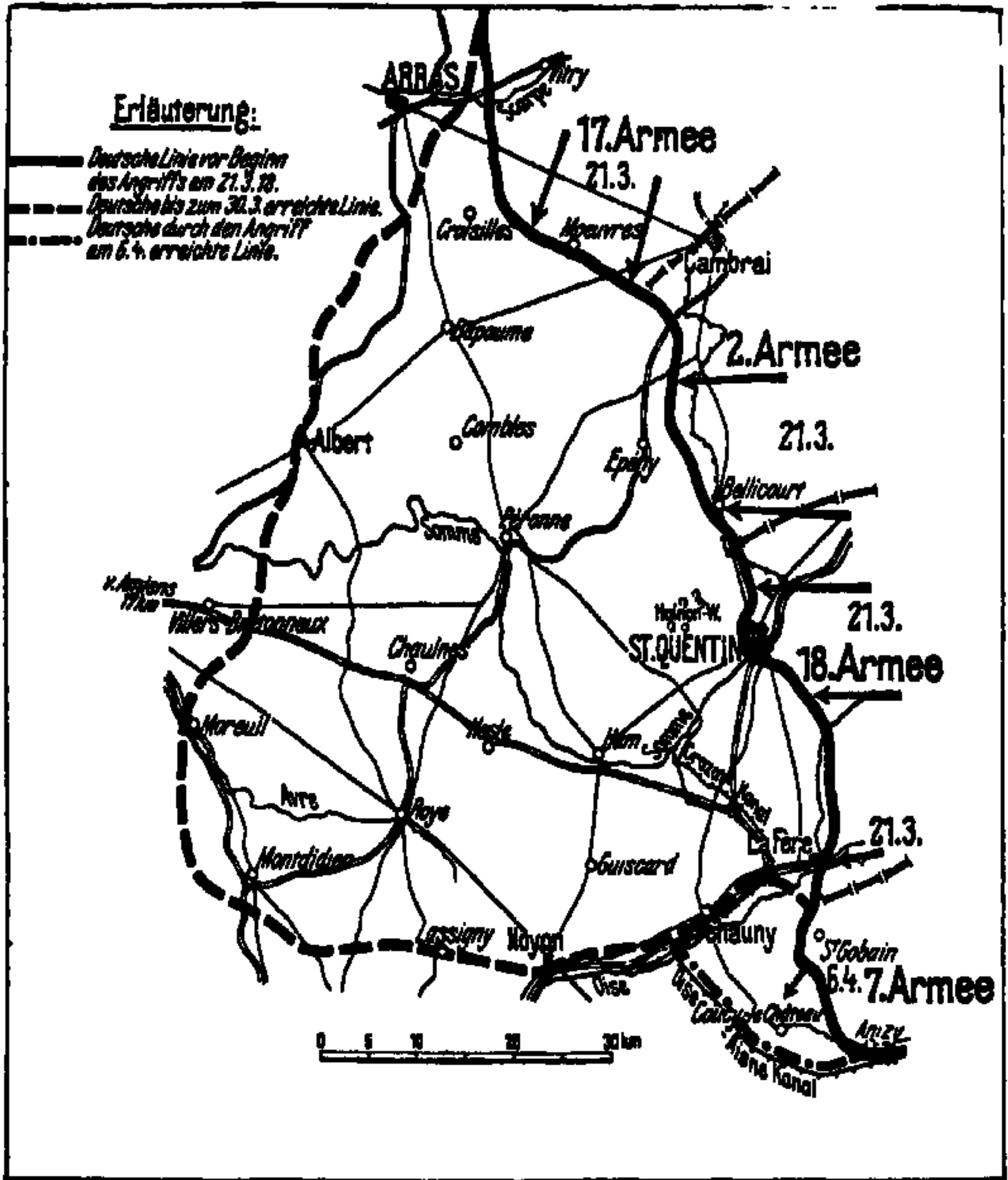
ولی ، اینک فرانسویها نیز ، از طرفی بین «من دیدیه» و «آور» (Avre) ،
و از طرف دیگر هم در منطقه جنگلی بین «دیوت» (Divette) و «ماتز» (Matz)
عکس العمل فاتحانه ایرا آغاز مینمایند .

در ۲۹ ، ژنرال هونیر ، آخرین قسمت قوای احتیاطی و مهمات خود را نزدیک کرد
ناحیه قطعی مبادرت ورزد ، در تاریخ ۳۰ ، حمله ای اجراء شد ، ولی با پراکندگی
و نشت محسوسی ، بنحویکه یک قسمت از حمله در «لوس» (Luce) ، قسمت دیگر
آن در «آور» و بالاخره قسمتی هم در جاگه بین «ماتز» (Matz) و «من دیدیه»
مجری گردید . این تفرقه و نشت مجالی داد که قوای امدادی ، فرانسویها ، که
از «سن - ژوست - آن - شوسه» (Saint - Just - en - Chaussée) و «برتوی»
(Breteil) و «کنی» (Conty) میرسیدند ، در همه جا با موفقیت کاملی
مقاومت کرده و بالاخره در دره «لوس» (Luce) ارتباط محکمی با جناح راست
انگلیسها بر قرار نمایند .

در ۴ آوریل ، ارتش ۱۸ آلمان در جبهه بین «آور» و «موروی» (Moreuil)
با لشکرهای واگذاری ارتش ۲ ، که خود آن در جلوی «ویلر - بروتونو» (Villers
Bretonneux) در گیر بود ، حمله ور گردید . «هونیر» با جبهه آراستهای (که
میتوانست در هیچ نقطه ای هدف سازد) مواجه شد .

فردای آنروز ، یعنی در تاریخ ۵ ، فرمانده کل نیروی آلمان چون میدید که
جاده «آمین» هم بنوبه خود مسدود میشود ، باینفکر افتاد که جاده «فلاندر» را
بروی قوای خود باز کند .

مرحله دوم نبرد خاتمه یافت . در این مرحله ، تنها عمل دیگری که اجرا
شده بود عمل فرعی ارتش ۷ آلمان بود که از ۶ تا ۹ آوریل قوای فرانسویرا ،
که از ۲۱ مارس در منطقه «کوسی - لو - شانو» (Coucy - le - Chateau)
و در «باس - فره - دو - کوسی» (Basse - Forêt - de - Coucy) استقرار
یافته بودند ، تعقیب کرده و بسمت مغرب «ایلت» (Ailette) رانده بود .



تعرض نغستون آلمانها

(مقاله شماره ۵۹۹)

ج) مرحله سوم (۹ آوریل - ۲۹ آوریل) (نقشه شماره ۴۲)

چنانکه گفته شد، «لودندرف» در نقشه‌های خود پیش‌بینی کرده بود که، مخصوصاً در «فلاندر» و در «شامپانی» مقدمات حمله فراهم گردد. و این در موقعی بود که نبرد «سن کاتن» طرح ریزی میشد. بنا بر جهانی که ذکر شد، فرماندهی کل نیروی آلمان باین دو منطقه اهمیت خاصی میداد، و از اینرو امر داده بود که در اجرای تنسیقات و انجام مقدمات تسریع نمایند.

شکستهای استراتژیکی و تاکتیکی ارتش ۱۷ از آغاز نراض، وضعف ارزشهای ۲ و ۱۸ در تصرف «آمین» اینها عواملی بودند که لودندرف را دچار نگرانی و تردید میکردند. نزدیک وی در این بود که از جبهه منصرفی اخیر اعزام شده و مجدداً بحمله پردازد، یا اینکه در نقطه دیگری از بخت استمداد جوید. در مورد اول، ارتش آلمان در منطقه غیر مستحکمی با حریف پیداری مواجه میشد؛ به علاوه، فرصتی هم لازم بود، تا اینکه نظم و ترتیبی در واحدها ایجاد شده و مواصلات دایرگشته و ذخائری حل گردد. در مورد دوم نیز، از عمل غافلگیری استفاده میشد، ولی این مانور هم مانور جدیدی بود که میبایستی از نو طرح ریزی شود، این مانور فقط از فوائد نبرد «سن کاتن» آنها بطور غیر مستقیم منتفع میشد.

لودندرف شق ثانوی را، که احتمال موفقیت‌های بیشتری در برداشت، اختیار کرد؛ علاوه بر اینکه زمین، بمناسبت خشکی هوا، دوام و استحکامی داشت، فرماندهی انگلیس هم قوای از جبهه شمالی «لانس» (Lens) برداشت کرده و بکمان ارتشهاییکه در جنوب «آراس» مشغول عملیات بودند اعزام نموده بود؛ در عوض این قوا، لشکرهای فرسوده ایکه در نبرد تحلیل رفته بودند بجبهه مزبور مأمور کرده بود؛ بالاخره، در این قطعه ۲ لشکر پرتغالی گماشته شده بود، و این دولشکر «غیر از زندگانی سنگری، چیزی از جنگ نمی فهمیدند».

بنا بر مراتب مندرجه فوق، بولیمهد «باویر» امر داده شد که در «فلاندر»

بحمله پردازد.

در ۹ آوریل ، ارتش ۶ آلمان [دُفن کواست، (von Quast)] با ۹ لشکر بین ترعه «لاباسه» (La Bassée) و «آرمانتیر» (Armentières) ، به ۱۵ کیلومتر جبهه حمله ور میشود . انگلیسها و پرتغالیها کاملاً غافلگیر شدند ؛ شبانه ، آلمانیها در حوالی «استر» (Estaires) به «لاو» (Law) و «لیس» (Lys) رسیدند .

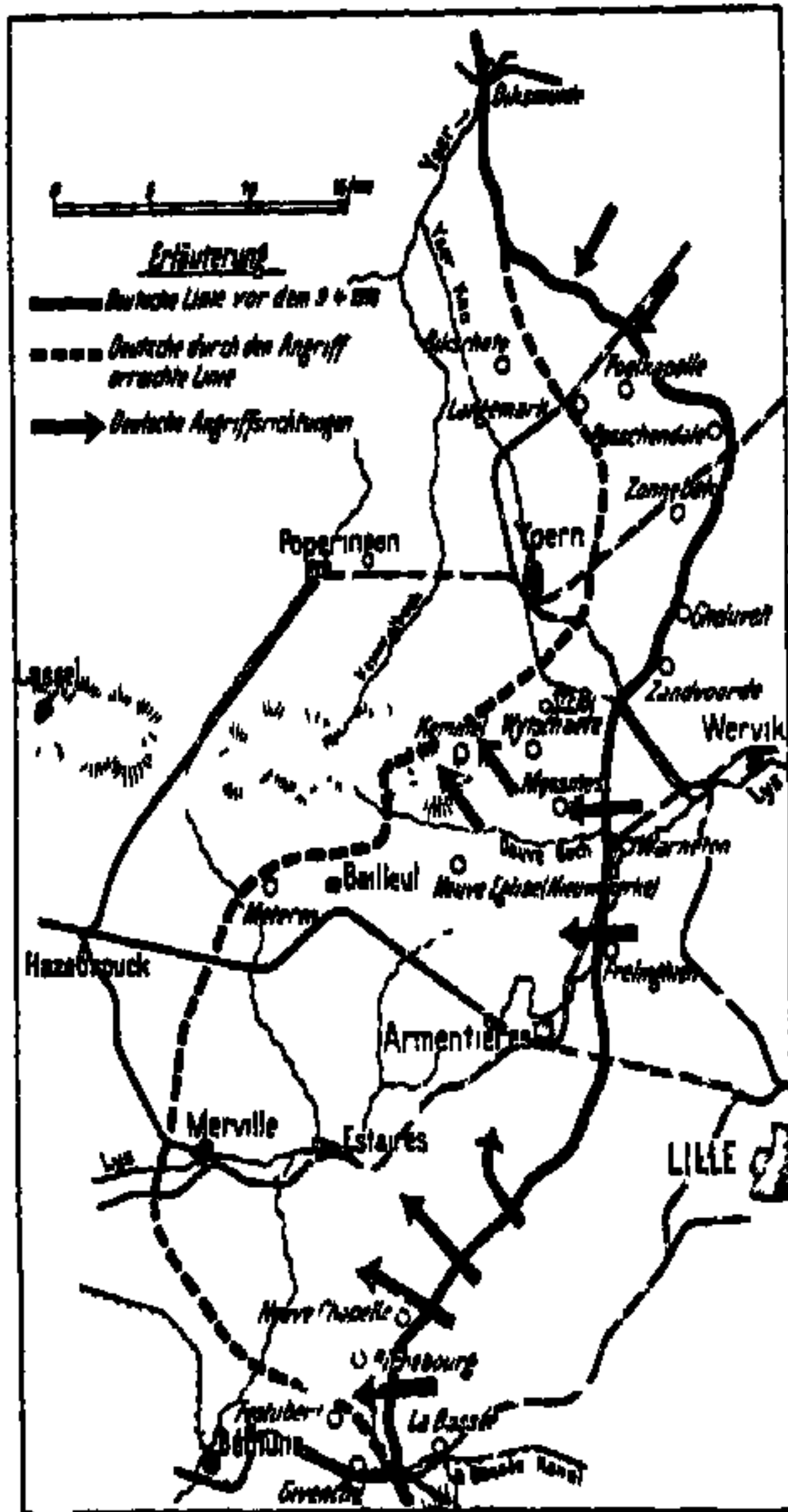
در تاریخ ۱۰ ، در شمال «لیس» حمله تا «ویسشات» (Wyschaete) توسعه یافت ؛ ۵ لشکر دیگر آلمانی در این قسمت از میدان برد درگیر شدند . عصر آنروز ، آلمانیها از رود «لیس» تجاوز کردند .

در قبال این موفقیت سریع ، فرماندهی آلمانی فکر افتاد که پیشرو بر طرف شمال غربی ، در سمت «من» (Monts) و «کاسل» (Cassel) تعقیب نماید ، تا در نتیجه سقوط تمام جبهه انگلیس و «نازیک» بین «ایپر» و دریا فراهم گشته ، و از طریق «سن‌امر» (Saint-Omer) دسترسی به «گاه» میسر شود .

از ایرو ، از ۱۱ آوریل ، قوای احتیاطی آلمان با کمال سرعت بمیدان جدید سرد اعزام شدند .

ولی قوای امدادی فرانسوا و انگلیس هم تقریباً با همان سرعت بکامک رسیدند ؛ قوای مرزور در شمال ، یعنی در جنوب جنگل «نیپ» (Nieppe) بحط «من» حمله ور شدند .

از تاریخ ۲ آوریل ، جناح راست ارتش ۶ و جناح چپ ارتش ۴ [دسیکست دُفن آریم، (Sixt von Arnim)] با کمال جدیت بین «نایل» (Bailleul) و «ایپر» حمله کردند . فرانسویها «من‌کامل» (Mont Kemmel) را از دست دادند ؛ ولی «من‌نوار» (Mont Noir) که در دست آنها بود مقاومت کرد ؛ و در شمال نیز ، «ایپر» سومین سد پیرا که دشمن شرارل آن قادر بود ، تشکیل میداد . در ۲۹ آوریل ، پس از حمله ایکه در جلوی «من‌نوار» و «دیکبوسخ» (Dickebusch) خشتی ماند ، فرماندهی کل پروی آلمان نعرص را موقوف داشت ، زیرا - سودوزیان آن موازنه داشت .



مرحلة سوم فستينج ترمس آلمانها (مرد آرمادير و كمل)

(مقابل صفحة ١٥٩٦)

اینک جاده «کاله» نیز مانند جاده «آمین» و جاده «دولنس» (Doullens) بروی نیروی آلمان مسدود میشد.

د) نتایج تعرض نخستین

از ۲۱ مارس، پیش از دو سوم (۲/۳) لشکرهای آلمانی که در جبهه فرانسه و بلژیک حضور داشتند در نبرد شرکت جستند. از لحاظ تلفات نیز، همینکه اثر غافلگیری بر طرف میشد، تلفات رو به زونی میرفت؛ اکنون میبایستی نظم و ترتیب عده‌ها داده شده، و اراضی متصرفی مستحکم گردند؛ این عمل کمال فوریت را داشت، عالی‌الخصوص در موقعیکه آرایش قسمت اعظم اراضی «سَم»، که در نتیجه نبرد سال ۱۹۱۶ و عقب نشینی آلمانها در سال ۱۹۱۷ بکلی ویران شده بود، ضرورت گاه‌امی پیدا کرده بود.

راست است که آلمانها نتایج استراتژیکی قاطعی بدست نیاوردند، ولی هیندنبورگ و لودندرف منافع عمده‌ای، در نتیجه نخستین تعرض خویش عاید داشتند. ارتش انگلیس اسرای بسیار و ملزومات خیلی زیادی از دست داده و بآلمانها تسلیم نموده بود. تقریباً کلیه لشکرهای آن در نبرد شرکت جست و آسیبهای سختی دیده بودند (۱).

راجع بارتش فرانسه نیز، همین بس که اعداد ذیلرا در نظر بگیریم، تا معلوم شود که فرسودگی و ضعف ارتش انگلیس تا چه حدی بر مشکلات آن افزوده و چه تکالیف جدیدی بردوش آن تحمیل میکرد: جبهه ایکه دفاع آن بفرانسویها محول

(۱) تلفات انگلیسها در مارس و آوریل به ۳۰۰،۰۰۰ تن بالغ میشد. از آنجایکه قوای ذخیره قسمتها برای جبران این تلفات همگی نبود، چندین لشکر بشکلی «واحد کادر» باقیماندند. در ۲ آوریل و ۳ مه، بین دولت انگلیس و دولت امریکا قرار دادهائی منعقد گردید، دایره براینکه قسمتهای بیاده نظام و واحدهای مسلسل سنگین امریکائی بکام تمام کشتی‌های انگلیس و امریکائی که در سترس بودند به اروپا حمل بشوند.

مانور دریائی مضاعفی که در ۲۳ آوریل و ۹ مه باموفقیت نامی بوسیله انگلیسها محری گردید (تأثر نتیجه دوبندر «زبروز» (Zeebrugge) و «استاند» (Ostende) محاصره شده و ضربت سختی بچنگ زیر دریائی آلمانها وارد کرد) انتقال قوای امریکا را بفرانسه تسهیل میکرد.

شده بود یکباره ۱۲۵ کیلومتر توسعه یافته بود. اینک متجاوز از هفت دهم (۷/۱۰) کلبه جبهه غرب (یعنی ۶۵۵ کیلومتر از جبهه ایکه به ۸۵۰ کیلومتر بالغ میشد) میبایستی بوسیله ارتشهای فرانسه حراست شود. بعلاوه ، چندین لشکر فرانسه برای کمک بمتفقین تا «کمیل» (Kemmel) اعزام شده بودند .



۴ - بحران ۲۱ مارس و تأمین وحدت فرماندهی متفقین

چنانکه دیده شد ، فرماندهان کل نیروهای فرانسه و انگلیس ، قبل از حمله ۲۱ مارس ، کمکهای متقابله ای را که ممکن بود نسبت یکدیگر ابراز دارند ، پیش بینی کرده و مقدمات اعمال آنها را فراهم نموده بودند .

این تصمیم آنها را از مخاطره نجات میداد ، زیرا ، از نخستین روز حمله ، ارتش انگلیس ، که در جبهه ۲ کیلو متری خویش قوای احتیاطی آن برای کمک بدفع حمله از ۲ لشکر پیاده نظام و ۳ لشکر سوار نظام تجاوز نمینمود ، در معرض تهاجم قواییکه معادل سه برابر قوای آن بود واقع شده و بلا فاصله متلاشی گردیده بود . اگر لشکرهای فرانسوی نرسیده و در شمال ، اوآز ، داخل عملیات متقابله ای نشده بودند ، آلمانها موفق میشدند به «من دیدیه» و شاید به «آمین» هم برسند ، بدون اینکه با مانعی مواجه شوند با اینکه محاربان برای آنها پیشامد کند .

ژنرال «رین» بنخستین تدابیر مؤثری که اتخاذ گردیده بود اکتفاء نکرده ، و در ۲۳ مارس امر داد یک گروه ارتشها | گروه ارتشهای احتیاط ، مأمور «کلرمن» (Clermont) | مرکب از ۲ ارتش | ارتش ۳ ، مأمور «وربری» (Verberie) و ارتش ۱ ، که از جبهه «وور» (Wœvre) جنوبی برداشت میشد | بین «اوآز» و «پرن» تشکیل گردد .

ولی «در» ۲۴ مارس ، فرمانده کل نیروی فرانسه ، از آنجائیکه بمناسبت عقب نشینی

دائمی متفقین نسبت بادامه حفظ ارتباط بین فرانسویها و متفقین نگران بود، دستوراتی فرماندهان تابعه ابلاغ مینماید. از دستورات وی بوی جدائی مهلکی استشمام میشود، یعنی از خلال آنها فرضیه چنین خطری استنباط میگردد، باین مضمون: «مقدم بر هر چیزی، بایستی استخوان بندی ارتشهای فرانسوی را محکم نگاهداشت بعد، اگر ممکن شد، ارتباط با قوای انگلیس را نیز محفوظ نمود». از طرفی هم، در ۲۵ مارس، مارشال «هایگ» نیز از «آبویل» (Abbeville) مینویسد که جدائی و تفکیک ارتشهای فرانسه و انگلیس امریست موقتی، و اعاده وضعیت نخستین مستلزم آنست که فوراً در غرب «آمین»، لا اقل ۲۰ لشکر فرانسوی در دو طرف «سُم» متمرکز یافته و مأمور گردد که از پهلو متعرض حمله آلمانها شوند و در خانه مارشال «هایگ» تصریح میکنند که ارتش انگلیس ناگزیر است باتأنی و در حین عقب نشینی مبارزه کند، بقسمیکه بنادر «پادوکاله» را پوشاند. پس، بمناسبت فقدان وحدت اراده و وحدت فرماندهی، اینک ارتش فرانسه وادار شده است در سمت جنوب متمرکز گردد، و ارتش انگلیس هم رو بمبادی خود در دریای «مانش» (Manche) عقب نشینی کند. اکنون متفقین با مخاطره عظیمی مواجه شده و قریباً دچار مصیبت مهلکی خواهند شد.

مارشال «هایگ» با اهمیت خطر واقف گشته و تلگرافاً گزارشی بلندن مخابره کرده و از رئیس ستاد ارتش انگلیس خواستگار شده است باتفاق یکی از اعضاء کابینه انگلیس فوراً بفرانسه آمده و مسئله ایجاد فرماندهی عالی کلیه متفقین را تقاضا نماید (۱)

این اقدام نهائی، که از طرف فرمانده کل نیروی انگلیس بعمل آمده بود، مقبول افتاد. در ۲۶ مارس، مابین نمایندگان دولتین و ارتشهای فرانسه و انگلیس، کنفرانسی در «دولنس» (Doullens) تشکیل شد، در طی این کنفرانس، قراردادی منعقد گردید، باین مضمون که ژنرال «فوش» (Foch)

(۱) بیانات «پوانکاره» (Poincaré)، رئیس جمهور فرانسه، که در جواب نطفی راجع پذیرفتن «فوش» در فرهنگستان فرانسه ایراد کرده است.

رئیس کمیته اجرائیه ،
 مأموریت دارد « عملیات
ارتشهای متفقین را در جبهه
غرب با توافق نظر فرماندهان
 کل این ارتشها ، با یکدیگر
وفاق دهد .



اینده ، برای فکر
 « وحدت فرماندهی » راهی
 باز شده بود .

در یکم آوریل ، در
 پایان مصیبت مدهشی که
 « آمین » دچار آن شده بود ،
 « وفاق دهنده » عملیات متفقین

مارشال فُش

فرمانده کل ارتشهای متفقین در فرانسه

بر رئیس هیئت دولت فرانسه
 گزارشی داد ، باینمضمون : « از احدی شاکی نیستم ولی فرصت
 هدایت عملیات را در راه افداع همکاران صرف میکنم . بقیده من ، قدرت
هدایت کاملی لازم است ، تا موفقیت کاملی عاید گردد . »

این اختصار بر مفهوم واقع شده و نوبه خود مقبول افتاد .

در ۳ آوریل ، مأموریت ژنرال « فُش » که در اجرای قرار داد « دولنس »
 (Doullens) اعطاء شده بود ، به « هدایت استراتژیکی عملیات » مبدل گشت
 دولت امریکا نیز با این تصمیم موافقت نمود .

چند روز بعد ، یعنی در ۱۱ آوریل ، قدم بهائی هم برداشته شد . ژنرال « فُش »
 به « فرماندهی کل ارتشهای متفقین در فرانسه » تعیین گردید .
 بالاخره ، در ۲ مه ، کمیته اجرائیه شورای جنگ متفقین منحل شد ؛ جبهه

ایتالیا هم تحت فرماندهی استراتژیکی فرماندهی عالی ارتشهای متفقین قرار گرفت. وضعیتی که فرمانده جدید کل ارتشهای متفقین با آن مواجه شده بود وضعیت وخیمی بود. خطری که متفقین را تهدید میکرد بخودی خود مشکلات کار و تدابیر اولیه را مجسم کرده و خط مشی را تلقین میکرد، از اینقرار:

۱- دفع حمله دشمن، از طریق مقاومت محلی، از هر نقطه ای که قوای در آنجا موجود باشد.

۲- احتراز از جدا شدن ارتشهای فرانسه و انگلیس.

۳- تشکیل قوای احتیاطی، از انگلیسها در شمال «آمین» و از فرانسویها در شمال غربی «بووه» (Beauvais)، خواه برای مقابله با تهاجم آلمانها، و خواه (اگر آلمانها فرصت دادند) برای اعاده ابتکار عملیات.

از ۳ آوریل، که تعرض آلمانها در سمت «آمین» بتازگی دفع شده بود، اراده اعمال ابتکار و سبقت در عمل دیگر بار از خلال دستوری استنباط میگردد. در طی این دستور، خطاب فرماندهان کل نیروهای فرانسه و انگلیس، تهیه مقدمات حملاتی، بمنظور رهائی «آمین» و راه آهن مجاور «سن-ژوست-آن-شوسه» (Saint-Just-en-Chaussée) که دشمن آنرا تهدید میکرد، مقرر گردیده بود. بمناسبت تعرض آلمانها در «فلاندر» ، اجرای این حکم بزودی میسر نشد، ولی همین حکم مبشر همان تعرضات درختانی بود که بعدها، از ۸ اوت تا ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۸، بوسیله ارتش ۴ انگلیس و ارتشهای ۱ و ۳ فرانسه، بین «سَم» و «اوآزه» اجرا گردید.

اما راجع بمسئله تشکیل قوای احتیاطی هم، ژنرال «پتن» بخودی خود بر حکم فرماندهی کل سبقت جسته بود.

در ۲۷ مارس، تشکیلات دو ارتش، ارتش ۵، (که از «رَنس» برداشت میشد)، و ارتش ۱۰، (که از ایتالیا احضار میگردد) در منطقه «بووه» آغاز گردید. در ۷ آوریل، ابواب جمعی این دو ارتش جمعا به ۱۲ لشکر بالغ میشد.

گروه ارتشهای احتیاطی نیز (مرکب از ارتشهای ۱ و ۳)، که در نبرد بین «اوآز» و «دُسم» شرکت داشت، ۲۸ لشکر در اختیار داشت. در اینموقع، ۴۴ لشکر فرانسوی، که معادل با پنجاه درصد مجموع قوای فرانسویها بود، بشمال «اوآز» منتقل شده بودند. ۲ ارتش (ارتشهای ۱ و ۵)، ۱۱ ستاد سپاه، و ۱۵ لشکر از جبهه بین «اوآز» و سویس برداشت گردیده بود؛ بدینطریق، در اینقسمت از جبهه، تقلیلی معادل ۲۵٪ لشکرها و ۵۰٪ سپاهها داده شده بود.

این تدابیر و اقدامات نهائی، که ارتش فرانسه با اعمال آنها دیگر بار خود را فدای منافع عمومی میکرد (چنانکه در ۲۷ مه باین حقیقت واقف خواهیم شد) اعاده‌وضیعت اولیه را برای فرمانده کل قوای متفقین بپسراخت؛ ولی این موفقیت که با حمله «فلاندر» مواجه شده بود، دوباره خنثی گردید. چه آنکه، روز پیش از شکافته شدن جبهه فرانسه و انگلیس در «ایس» (Lys)، ارتش ۱۰ فرانسه رو به «دُسم» رانده میشد. اندکی بعد، ارتش مزبور، بجای قوای احتیاطی انگلیس که بکنار «ایس» احضار شده بودند، در سمت «دوانس» (Doullens) و «سن پُل» (St - Pol) رده بندی میکرد، و بدینطریق برای قوای ارتش که بعداً حمله نهائی ولیمهد «باویر» را در «مُن» (Monts) درهم شکست مرکزی تشکیل دهد.

در همین موقع بود که، از تشریک مساعی و همکاری کاملتر ارتشهای دیگر متفقین، تأثیرات مساعد و امیدبخش وحدت فرماندهی بیش از پیش محسوس میشد. در ۲۸ مارس، ژنرال «پرشینگ» (Pershing) پیشنهاد کرد که قوای امریکائیم در عملیات شرکت جویند، از اینرو، نخستین لشکر امریکائی از جبهه «وُور» (Wœvre) حرکت کرد. نادربرد «بیکاردی» بعملیات پردازد. سپس، لشکرهای دیگر امریکائی با کلیه توپخانه آنها، که تا این تاریخ تشکیلات آنها داده شده بود، به «وُور»، «وُارن»، «وُوز» (Vosges)، و «آلزاس» اعزام شده و مأموریت لشکرهای فرانسویرا عهده دار شدند، تا اینکه لشکرهای

مزبور بمأموریت‌های دیگری اعزام کردند.

ارتش بلژیک تا « ایپر » (Ypres) گسترده شده و چندین لشکر انگلیسی را تعویض کرد.

بالاخره ، فرمانده کل نیروی ایتالیا هم سپاهی ، مرکب از ۲ لشکر ، فرانسه اعزام داشته ، و بر حسب دعوت فرمانده کل نیروی متفقین ، به تهیه مقدمات تعرضی پرداخت ، نادر خط مواصلات دشمن در « وال سوگانا » (Val Sugana) ، مابین « تریست » (Trieste) و « فاتر » (Feltre) اجرا گردد.

۵ - دومین تعرض آلمانیها (۱) (۴۲۷ - ۱۵ ژوئن) (نقشه شماره ۴۳)

بعد از اینکه جاده « کاله » (Calais) برای آلمانیها بسته شد ، مسئله ایکه در نظر « لودندروف » طرح میشد همان مسئله‌ای بود که پس از مسدود شدن جاده « آمین » با آن مواجه گردیده بود . تعقیب یا تجدید حملات در سمت این دو هدف ، مستازه آن بود که آلمانیها بادشمن بیداری تصادم نمایند ، آنها با داشتن مواصلات آسیب پذیر و اراضی ویرانی که از عقب وضعیت آنها را تهدید میکرد . در چنین موقعی ، عده های امریکائی آماده کار گشته و تدریجاً بجهت اعزام میگردیدند ، و اینک عده های نخستین هم در جبهه ظاهر شده بودند . همین خود فرماندهی

(۱) در پایان مه ، از ۱۰۳ لشکر (که ۴ لشکر آنها از ایتالیا بازگشت کرده بود) ،

۶۵ در جبهه بین سویس و « اوآز » ، ۱۸ بین « اوآز » و « سم » ، ۶ در « فلاندر » بودند ؛ ۴۰٪ لشکرهای داخل قطعه در شمال « اوآز » گسترده شده بودند .

۳۸ لشکر در احتیاط بودند ، ۱۷ لشکر آنها بین سویس و « اوآز » ، ۱۰ لشکر در

شمال « اوآز » در گروه ارتشهای احتیاط ، ۱۱ لشکر از « سم » تا دریا ، مستقیماً تحت امر فرمانده کل نیروی متفقین ، بدین معنی که يك سوم قوای احتیاطی فرانسه مأمور پشتیبانی ارتشهای انگلیس بود ، و از اینرو از حدود دایره فرماندهی فرمانده کل نیروی فرانسه خارج بودند .

بطور خلاصه ، از ۱۰۳ لشکر ۴ لشکر ، یعنی تقریباً نیمی ارتشهای فرانسوی ، بین

« اوآز » و دریا گماشته شده بودند .

نیروی آلمانرا تحریک میکرد که هر چه زودتر ضربت نهائی را وارد سازد . ضرورت فتح هر نوع ملاحظات دیگری را خنثی میکرد .

در اواخر ماه آوریل ، ولیمهد آلمان حکمی دریافت داشت ، دابر بر اینکه تهیه مقدمات تعرضی پردازد . در این تعرض ، عملیات ذیل پیش بینی شده بود :

۱- يك حمله اصلی در جبهه « رنس - آنیزی - لو - شاتو » (Reims-Anisy le-Chateau) ، بقسمیکه بسط آنی جبهه عملیات را تا « اوآز » متضمن باشد .

۲- حمله دیگری بین « من دیدیه » (Montdidier) و « اوآز » .

هدفهای نخستینی که همین شده بود عبارت بود از « رنس » ، « فیم » (Fismes) « سواسن » (Soissons) و « کمین » (Compiègne) : از تصرف این هدفها ، نخستین نتیجه ای که عاید میشد این بود که جبهه بین « رنس » و « من دیدیه » اصلاح شده و برای اجرای حمله قاطعی در سمت « پاریس » مبنای عملیات محتمله ای فراهم گردد .

این مانور ، رویهمرفته ، مانور سهل و ساده ای مینمود : زیرا ، فرانسویها قوای احتیاطی خود را بشمال انتقال داده بودند ، و بدین مناسبت جبهه آنها ضعیف شده بود ، و از اینرو احتمال کلی میرفت که آلمانها با چند لشکر خسته و فرسوده ای که از عقب هم متکی به بیچگونه پشتیبانی و کمکی نباشند ، مواجه گردند . سه ارتش برای اجرای مانور تعیین شده بود ، از اینقرار :

ارتش ۷ ، که بین « اوآز » و خط از « باری - او - باک » (Barry-au-Bac) تا « ویل - آن - تاردنوا » (Ville-en-Tardenois) بحمله اصلی پردازد ،

ارتش ۱ که از جناح راست در سمت « رنس » پیشروی کند ؛

ارتش ۱۸ که بین « اوآز » و « من دیدیه » داخل عملیات شود .

بنا بود که حمله آخری ، بفاصله چندروز ، بعد از دو حمله اولیه اجرا گردد .

تصمیم فرماندهی کل نیروی آلمان ، راجع باینکه نبرد را در آن واحد از « رنس » تا « من دیدیه » مشتعل نکرده و بالعکس این حملات را متعاقب یکدیگر اجراء کند ، از علل و عوامل استراتژیکی ناشی نشده بود ، بلکه موجبات مادی

این تدبیر را ایجاب میکرد: چنانکه داخل شدن ارتش ۱۸ در عملیات منوط
برسیدن آنشبار هائی بود که ارتشهای یکم و هفتم در موقع حرکت بحمله به آنها
دیگر احتیاجی نداشتند.

این نقشه کلی، از لحاظ مدارا و اعتدالی که در تعیین هدفها ملحوظ شده بود،
با نقشه ۲۱ مارس تفاوت کلی داشت. زیرا حمله مارس، که مانند تهاجم وسیعی
اعمال گردیده بود، نتایج بدی بخشیده بود، حمله مزبور تولید بی نظمی نموده
و تلفات بیهوده ای فراهم کرده بود، اختیار عده ها تا چندی از دست فرماندهی
خارج شده بود. اینک فرماندهی کل نیروی آلمان باین فکر افتاده بود که از
پیشامد چنین وضعی احتراز جوید.

گفته شد که تعرض نخستین آلمانها تاچه حدی مرکز ثقل قوای فرانسه را
بشمال سوق داده بود.

در روزهای نخستین ماه مه، ژنرال «پتن» توجه ژنرال «فش» را نسبت باین
طرز تقسیم قوا، که مایه کمال نگرانی بود، جلب نموده بود. با این وصف، فرمانده
کل قوای متفقین تصمیم خود را، راجع بگماشتن چنین میزان مقتناهی از قوای
فرانسوی به پشتیبانی ارتشهای انگلیس، ابقاء نمود. اگر در مقابل درخواست
ژنرال «پتن» تسلیم میشد، احتمال میرفت ارتش انگلیس، که نازه خرابیهای
ضربت اخیر را ترمیم نموده بود، در قبال تهاجم جدیدی یکباره مضمحل گردد؛
از اینرو خطر معکوس را ترجیح میداد، یعنی باین امر تن در داده بود که فرانسویها را
(آنها با چنین آرایش خطرناکی) با نبرد آینه حریف مواجه سازد، و بدین طریق
انگلیسها را از خطر سقوط قطعی محفوظ دارد.

مهمذا، ژنرال «پتن» موفق شد ژنرال «فش» را متقاعد ساخته و چند لشکر
فرسوده انگلیسی را بجهت خود در مشرق «اوآز» انتقال دهد.

هنگام حمله آلمانها، آرایش فرانسویها، بین «رئس» و «اوآز» بشرح

ذیل بود:

ارتش ۶ مأموریت داشت با ۱۱ لشکر در خط مقدم ، و ۴ لشکر در خط دوم کنار رود «ان» ، جبهه ۹۰ کیلو متری خود را حراست کند . در عقب ، و در پهلوهای این ارتش ، ۵ لشکر در اختیار فرماده کل رده بندی شده بود ، بدین طریق که ۳ لشکر کنار «اوآز» ، ازدوست «کمپین» (Compiègne) ، ۱ لشکر در جنوب غربی «ویلر - کونره» (Villers-Cotterets) و ۱ لشکر در جنوب غربی «رنس» . در ۲۷ مه ، در ساعت ۱ ، تیرهای تهیه ای نوپخانه ، خیابانی قویتر از تهیه ۲۱ مارس ، با استعمال گلوله های سمی ، خیلی زیادی آغاز گردید . در ساعت ۳ و ۴ ، پیاده نظام آلمان (۱) در امتداد تمام جبهه ۶۰ کیلومتری بین «لوتلی» (Lœully) و «بریمن» (Brimont) حمله ور شد . فشار اصلی حمله ، مابین «بری - او - باک» (Berry-au-Bac) و جاده از «سوانسن» تا «لاان» (Laon) اعمال گردید . این حمله بزرگ ، مانند ماور ۲۱ مارس ، بوضع شکست آوری استوار شده بود ، و از اینرو مدافعین را سخت اغفال کرد : زیرا فراسویها تصور میکردند که آلمانها ، در چنین منطقه ای که دارای مواضع طبیعی مستحکمی بود بفرار حمله یافتند . ولی در ۲۶ مه یک نفر خلبان دشمن که بوسیله ارتش دستگیر شده بود فرماندهی فراسه را بقریب الوقوع بودن حمله واقف ساخت . در قبال چنین حمله ناگهانی دشمن ، فرمانده ارتش ۶ فراسه جز محدود کردن تأثیرات آن فکر دیگری نمیتوانست بکند و برای تأمین این منظور دشمن را کنار «ان» (Aisne) متوقف سازد و بدون فوت وقت به «تیرهای ضد تهیه» پردازد . عمل تیراندازی اخیر با مشقتی اجرا شد ، زیرا دقت آتش حریف مزاحم آن بود . مسئله مقاومت کنار «ان» هم عملی نشد ، زیرا

(۱) «لودندرف» دوره تعلیماتی ، در نزدیکی پست فرماندهی خود در «آون» (Avesnes) دایر کرده بود ، تا اینکه خود شخصاً مشقهای حمله را هدایت نماید . بدین طریق ، در طول مدت آرامش جبهه ، بتکمیل تعلیمات کادرها موفقی شده بود . بملاوه ، باین احتیاط قناعت نمیکرده و عده های حمله را از میان لشکرهائی که در سال ۱۹۱۷ در دشمن - ده - دام (Chemin-des-Dames) قطعه هائی را حفاظت کرده بودند ، ترکیب نمود .

ارتش ۶، عوض اینکه بآتش متوسل گردد، قوای احتیاطی خود را بشمال رودخانه سوق داد تا بدین طریق بحراست «شمن - ده - دام» (Chemin-des-Dames) پردازد؛ لشکرهای فرانسه که در خط مقدم فواصلی از هم داشتند، هنگامیکه قوای احتیاط تازه میخواست عملیات خود را محسوس سازد در زیر فشار دشمن غرق شده بودند؛ از اینرو مقاومت آنها در هم شکست و آلمانها تا «ان» پیشروی کردند، آنها با سرعتی که اجرای حکم تخریب پلها برای فرانسویها مقدور نشد. در عصر روز ۲۷، آلمانها به رود «ویل» (Vesle) رسیدند، در ۲۸، در جبهه‌ای متجاوز از ۳۰ کیلومتر، از آن عبور کرده و در جلگه‌های واقع در جنوب این رودخانه، که هدفهای مقرره نقشه‌های حمله را تشکیل میدادند، قرار گرفتند، تا در آنجا پیشروی خود را موقوف داشته و باستحکام موقعیت و آرایش قوا پردازند.

ولی، در قبال چنین پیشرفتی که از حدود امیدواری آلمانها تجاوز میکرد، فرمانده کل نیروی آلمان تصمیم گرفت تعرض را در سمت «مارن» ادامه دهد، و در عین حال بحملات جناحی پردازد، یعنی از مغرب برضد جلگه‌های ساحل سمت چپ «باس-ایات» (Basse-Ailette) و از مشرق بر علیه «رنس» (Reims) برای تأمین این منظور، گروه ارتشهای ولیعهد آلمان بوسیله چند لشکر از قوای عمومی احتیاط تقویت داده شد.

از ۳۰ مه، تا ۴ ژوئن، بر دین طریق تعقیب گردید: در مرکز، آلمانها از «شانو-تییری» (Château-Thierry) تا «درمانس» (Dormans) برودخانه «مارن» رسیدند بدون اینکه موفق شوند از رودخانه مزبور بگذرند؛ در جناحین، حمله آنها، در اطراف «رنس» و در مغرب «سوانسن»، دفع گردید. در ۳ ژوئن، ارتش ۷ «فن‌بهن» (Von Böhn) آخرین قسمت قوای احتیاطی خود را، شامل ۳ لشکر، بتصرف جلگه‌های واقع در شمال جنگل «رتز» (Retz) سوق داد؛ و بالتیجه پیشروی ناچیزی بقیمت خسارات و تلفات گزافی بدست آورد.

در ۴ ژوئن، ۴۲ لشکری که نوده حمله ولیعهد را تشکیل میدادند تمام و کمال

بمصرف رسیده بودند. فرماندهی کل نیروی آلمان پیشرفت‌ها را مکفی دانسته و چنین تشخیص داده بود که از آن بعد تعقیب تعرض خیلی گران تمام خواهد شد. بنابراین جهات، تعرض خود را موقوف نمود.

در ارتش فرانسه هم، اختلالی که از غافلگیری حملات دشمن تولید شده بود از همان روز نخستین وضعیت را دچار وخامت ساخت. با اینکه ۱۲ لشکر پیاده نظام، یک سپاه سوار نظام و توپخانه عظیمی با نهایت سرعت بصحنه عملیات سوق داده شده بود، بی نظمی کماکان ادامه داشت، تا عاقبت عناصر فرماندهی کاملاً ترمیم یافتند: ارتشهای ۱۰ و ۵ در دو سمت ارتش ۶ گماشته شدند، و باین سه ارتش مأموریت داده شد که در شمال «اورک» (Ourcq) و «رنس» پاریس را پوشانند: ۳۰ لشکر فرانسوی و کلیه لشکرهای سوار نظام فرانسه، با ۲ لشکر امریکائی و ۱ لشکر انگلیسی بصحنه عملیات رسیده و در اطراف شکافی که دشمن باز کرده بود با آلمانها مواجه گشته و عملیات متقابله ای اجرا کردند، تا این که حمله دشمن کم کم تخفیف یافته و تدریجاً موقوف گردید.

روز ۳۱ مه، وخامت وضعیت فرانسویها بحد کمال رسیده بود: دشمن در مسیر قسمت علیای «اورک» با کمال سرعت پیشروی میکرد: در جنوب «سوانسن» حملات متقابله آنها بازحمت زیادی پیشرفت کرده و به پیشرویهای مختصری منتهی میشد، قوای تازه نفس آنها، که در صورت توسعه تعرض آلمانها (تا ساحل سمت راست «اوآز») بتوانند ۲۴ ساعته خود را بساحل مزبور رسانیده و با حریف مواجه گردند، از حدود یک لشکر تازه نفس تجاوز نمی نمود.

ولی بخت با فرانسویها یاری کرد، و ارتش «هوتیر» (Hutier) آماده کار نبود: از طرفی هم، ارتش مزبور در تهیه مقدمات مانور خود بقدری شتاب کرد که فرانسویها بکشف آن موفق شدند. از ۳ ژوئن، فرانسویها بمقاصد دشمن، که اینک در صدد بود بین «اوآز» و «من دیدیه» حمله ور شود، کاملاً واقف گشتند. فرانسویها فرصتی یافتند چند لشکری بمقیب جبهه ای که بدین طریق

دوره عرض تهدید دشمن واقع شده بود انتقال دهند؛ بعلاوه، هر شب با اجرای تیرهای ضد تهیه‌ای پرداخته و بدین طریق مزاحم عملیات دشمن گردیده و قسمت عمده‌ای از ذخائر مهمانی ویرا تخریب و بالتسبب ضایعات و تلفات هنگفتی بر روی تحصیل کردند.

در نیمه شب ۹ ژوئن، «هوتیر» تیرهای تهیه‌ای توپخانه را آغاز نمود. در ساعت ۴ و ۳۰، با ۱۳ لشکر که در خط مقدم گماشته بود، مابین «آسن و پلر» (Assainvillers) و «اوآز»، در امتداد ۳۵ کیلومتر جبهه حمله ور گردید؛ تلاش اصلی وی در طول جاده بین «روای-استره» (Roye-Estrées) و «سن دنی» (Saint-Denis) اعمال شد. در شب ۹، نوده حمله ۸ کیلومتر در روی این محور پیشروی کرد، ولی در جناحین با مقاومت فرانسویها مواجه گشته و متوقف ماند. در ۱۰ ژوئن، آلمانها در ۷ کیلومتر نری «کمپین» (Compiègne) به «آرون» (Aronde) رسیدند؛ جناح راست آنها تا نزدیکی خط پاریس به «مندیدیه» در محاذات «موبین ویل» (Moyenneville) و «تربکو» (Tricot) رسید؛ جناح چپ آنها نیز، تمام ارتفاعات «اکوویون» (Ecouvillon) را تصرف نمود، و همین خود فرانسویها را وادار کرد منطقه واقعه بین «وان-سو-نو-وان» (Moulin-sous-tout-vent) و «سامپی نی» (Sempigny) و «بای بی» (Bailly) را تحایه نمایند.

ولی، در ۱۱ ژوئن، هنگامیکه آلمانها آماده آن میگرددند که مجدداً بجای حمله نمایند، ۴ لشکر فرانسوی و ۱۲ گروه ارابه جنگی بین «موبین ویل» (Moyenneville) و «تربکو» (Tricot) سر در آورده بپهروی راست آنها حمله ور میشوند. این قوا عبارت از آخرین لشکرهای تازه نفسی بودند که فرمانده کل نیروی فرانسه و فرمانده گروه ارتشهای احتیاط موفق شده بودند برای عملیات متقابل ای جمع آوری نمایند، تأییراتی که از این عملیات انتظار داشتند بیشتر از جنبه غافلگیری معنوی آن بود تا نتایج مادی آن. در تحت تأثیر این ضربت ناگهانی،

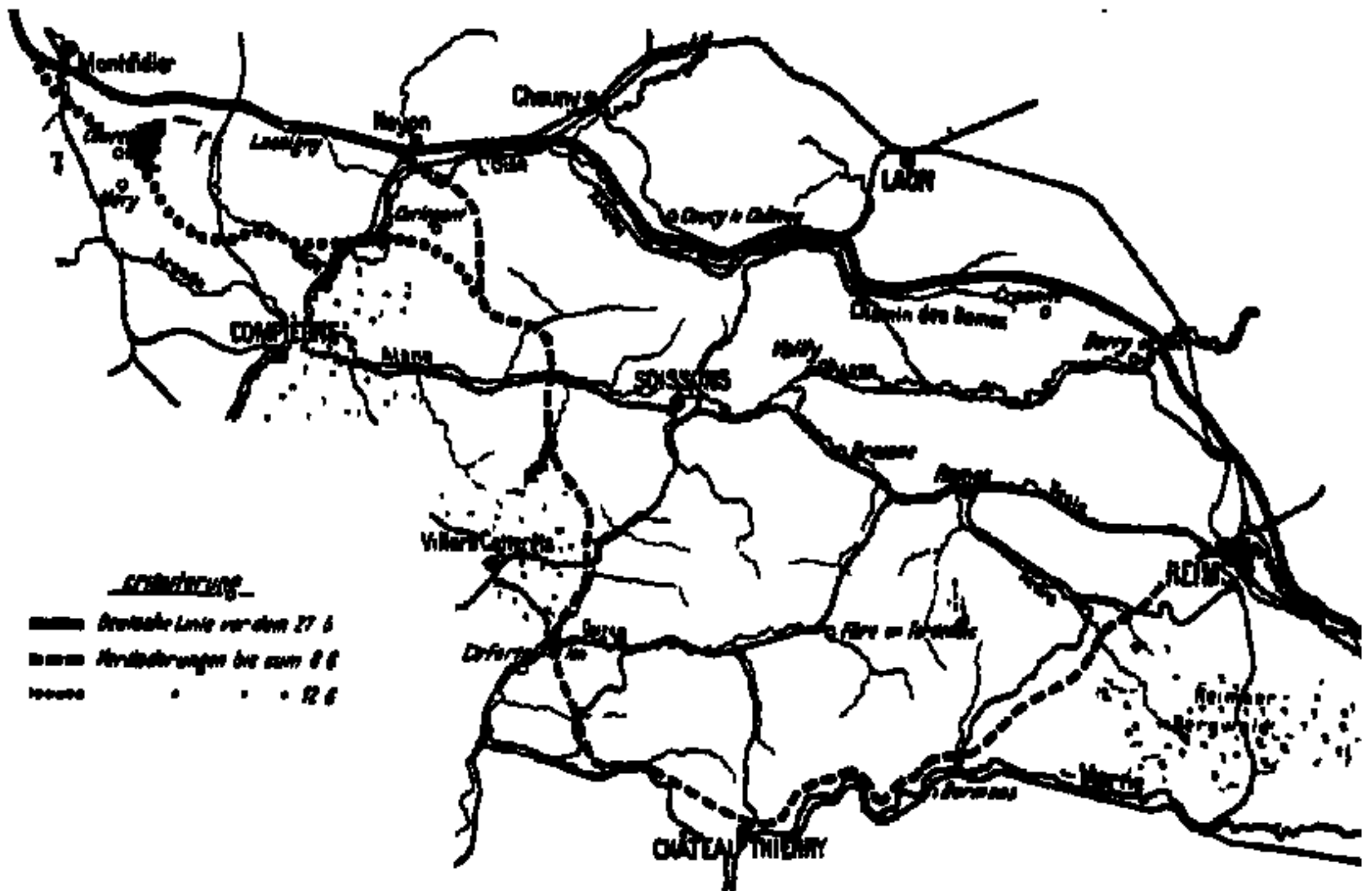
جناح راست « هونیر » با اینظمی بعقب نشست، و مرکز قوا را هم وادار کرد که « آرند » (Aronde) را تخیله نموده و از این حرکت عقب نشینی متابعت نماید. در این تلافی، قریب ۱۰۰۰ تن اسیر آلمانی بدست فرانسویها افتاد.

در ۱۲ ژوئن، « هونیر » از تجدید حمله چشم پوشیده بآرایش و استحکام وضعیت خویش در روی زمین آغاز نمود.

در همانروز، « بهن » (Böhm) بین «ان» (Aisne) و جنگل «ویار» کوتره» (Villers-Cotterets) برآمدگی «کمپین» (Compiègne) را هدف ساخته و از بومادامه حملات خود پرداخت.

ولی فرانسویها با بویخانه عظیم و پر قدرتی که در این منطقه در اختیار داشتند بروی فایق گشتند. در ۱۵ ژوئن، «بهن» نیز از ماور خود منصرف گردید. بدینطریق، تعرض دوم آلمانیها خانه، یافت.

در پایانب این تعرض، آلمانیها ۵ کیلومتر در سمت پاریس پیشروی کرده و به «مارن» رسیده و خط آهن برگ بین ناسی، و پاریس را قطع نموده بودند، ولی آنها وضعیتی خفراک و در عین حال آسیب پذیری پیدا کرده بودند. یگانه رشته خط آهن «لان-سوان-ن-بازوش-فر-آن-تاردنوا» (Laon-Soissons-Bazoches-Fère-en-Tardenois) وسیله منحصر بفردی بود، برای تغذیه، اشکر آلمانی که در داخل کیسه، شانو-تیه ری، فرو رفته بودند؛ و در سوان-ن، این خط در اندک مسافت جبهه واقع میشد، بدینطریق که این مسافت به ۱۵ کیلومتر هم در جبهه میر-پید، از اینرو این «شاهراه» تدارکاتی، که در معرض آتش بویخانه دورزن فرانسویها قرار گرفته بود، کاملاً آسیب پذیر بود، و در نتیجه اندک پیشروی فرانسویها در سمت «سوان-ن»، استفاده از آن بکلی ممنوع میشد.



دومین تعرض آلمانیها (سردهای «سوانسن»، «ریس» و «نوائین»)

(مطالعه شماره ۶۶۰)

۶ - تعرض اطریشیا در « وِیسی » (نقشه شماره ۴۰)

حمله اطریشیا در « وِیسی » (Vénétie) بیشتر از این لحاظ قابل توجه است که با پایان حمله ارتش « هونیر » (Hutier) در سمت « کمپین » (Compiègne) مقارن می باشد ، این تعرض برای اطریشیا و آلمانها تعرض شومی بود : زیرا در پایان آن مدلل گردید که ارتش اطریش ، با وجود واژگونی جبهه روس و رومانی و بازگشت اسرای زیادی که دولت « ساویت » (Soviets) روسیه را ساخته بود ، با انحطاط افتاده و دچار ضعف جبران ناپذیری گردیده است .

اینک تقریباً تمام قوای اطریش (۵۲ لشکر از مجموع لشکرها که شماره آنها به ۷۹ بالغ میشد) مأمور صحنه عملیات ایتالیا بودند . قوای مزبور بدو گروه ارتش تقسیم شده بود . از اینقرار : گروه ارتشهای « تیرل » (Tyrol) فرماندهی « کنراد فن هتسندرف » ، و گروه ارتشهای « وِیسی » فرماندهی « بوروویچ » (Borövic) (۱) .

نقشه عملیات اطریشیا متضمن دو حمله ذیل بود :

یک حمله در منطقه کوهستانی در امتداد ۴۰ کیلومتر جبهه ، از دو جانب « لابراتنا » (la Brenta) ، در سمت « باسانو » (Bassano) که بوسیله ارتش ۱۱ | فرماندهی « شنکنستول » (Schenkenstuel) | با ۲۸ لشکر اجرا گردد (از این لشکرها ، ۱۱ لشکر احتیاطی بوده است) .

حمله دیگری از « پیاو » (Piave) ، از مصب این رود تا نپه « تمبا » (Tomba) | در امتداد ۷۰ کیلومتر | که « تره ویز » (Trévis) را هدف

(۱) « لودندرف » لحظه ای باین فکر افتاد که برای تقویت جبهه غرب از قوای احتیاطی اطریش برداشت نماید . ولی بمناسبت ضعف و سستی و « کم میلی » که حرباز اطریشی در محاربه ابراز میکرد ، از این فکر منصرف گشت . « لودندرف » علاقمند بود باینکه اطریشیا در ایتالیا به فتح بزرگی نائل شوند ، تا اینکه روحیه متفکین متزلزل گردیده و قوای احتیاطی آنها بیاوراء کوههای « آلپ » (Alpes) یعنی بایتالیا - اعزام کردند ، همانطوریکه در سال ۱۹۱۷ نیز متعاقب شکست ایتالیاییها ضرورت انتقال قوا از جبهه غرب بشبه جزیره ایتالیا بمتفکین تحمیل گردیده بود .